



Teaching Etiquette from the Perspective of Shahid-e Thāni¹

Sayed Ruhollah Noorafshan

Master student, Islamic theology and philosophy, Imam Khomeini Educational-
Research Institute, Qom, Iran (**Corresponding Author**). s.r.noorafshan@gmail.com

Zahra Mousaviun

Level three students, Al-Zahra Society, Qom, Iran. z.mousaviun@gmail.com

Fatemeh Sadat Mousaviun

Level three students, Al-Zahra Society, Qom, Iran. k.mousaviun@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to explain teaching etiquette in the classroom from the view of Shahid-e Thāni. The method of study is descriptive-analytic and the results show that although Shahid-e Thāni is a religious and Islamic character, he has not just mentioned ethical points and religious responsibilities of a teacher but has also explained many teaching techniques and experiences in his explanations of teaching etiquette in the classroom. Some of the most important features of a teacher in classroom include: outer etiquette such as neat dressing, spiritual etiquette such as having a divine motivation for teaching and remembrance of God in class and piety, ethical etiquette such as kindness and respect for students, tolerance and compassion and sympathy for students, bravery, educational etiquette such as choosing suitable lessons, teaching method, moderation in teaching and creating a sense of eagerness and interest in studying, class management etiquette such as arranging the time and place of the class, ethical management of students, choosing a representative and supplement for class, and points on how to conclude the classroom.

Keywords: Shahid-e Thāni, Ethics, Teacher, Classroom, Teaching Style, Teaching Etiquette.



آداب معلّمی در حین تدریس از دیدگاه شهید ثانی^۱

سید روح‌الله نورافشان

دانشجوی کارشناسی ارشد، کلام و فلسفه اسلامی، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم،
ایران (نویسنده مسئول). s.r.noorafshan@gmail.com

سیده زهرا موسویون

طلبه سطح سه، جامعه الزهراء(س)، قم، ایران. z.mousaviun@gmail.com

فاطمه السادات موسویون

طلبه سطح سه، جامعه الزهراء(س)، قم، ایران. k.mousaviun@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر ترسیم آداب معلّمی در حین تدریس از دیدگاه شهید ثانی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و یافته‌ها نشان می‌دهد شهید ثانی گرچه شخصیتی دینی و اسلامی است، ولی در ترسیم آداب معلّمی در هنگامه تدریس، صرفاً به بیان نکات اخلاقی و وظایف دینی معلّم بسنده نکرده و بسیاری از فنون تدریس و تجربیات معلّمی را نیز تبیین کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین آداب معلّم در کلاس درس می‌توان به این موارد اشاره کرد: آداب ظاهری مثل پوشش و آراستگی، آداب معنوی همچون انگیزه الهی برای تدریس و ذکر و یاد خدا در کلاس درس و تقوی معلّمی، آداب اخلاقی مثل محبت و احترام به شاگردان، رفق و مدارا و تفقّد و دلسوزی بر ایشان و شهامت معلّمی، آداب آموزشی مثل انتخاب درس مناسب، روش تدریس، اعتدال در تدریس و ایجاد شوق و رغبت نسبت به تحصیل، آداب کلاس‌داری مثل زمان و مکان کلاس و مدیریت اخلاقی شاگردان، انتخاب نماینده و جانشین و نکات خاتمه کلاس.

کلیدواژه‌ها: شهید ثانی، اخلاق، معلّم، کلاس درس، سبک تدریس، آداب معلّمی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

ارجاع به این مقاله: نورافشان، سید روح‌الله؛ موسویون، سیده زهرا؛ موسویون، فاطمه السادات (۱۴۰۰). آداب معلّمی در حین تدریس از دیدگاه

شهید ثانی. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۲(۱)، ص ۱۰۱-۱۱۸. DOI: 10.22034/riet.2022.10473.1086

۱. مقدمه

تعلیم و تربیت از مهم‌ترین اهداف انبیاء و امامان معصوم (ع) بوده و این راه عظیم در طول تاریخ از سوی جانشینان آنان یعنی علمای دین، دانشمندان و معلّمان، ادامه یافته است. اما باید دانست که اولاً، هر علم و دانشی باعث رشد و تعالی انسان نشده و ثانیاً علم‌آموزی به هر صورت و کیفیتی مطلوب نیست. بسیار تلخ و زیان‌بار است که سالکان طریق علم و دانش، به سلاح علم مجهز شوند، ولی از اصلاح خود و کسب خشنودی خداوند متعال در خواب غفلت به سر ببرند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَيْسَ الْعِلْمُ بِالْتَّعَلُّمِ، إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ»، «دانا شدن صرفاً به تحصیل علم نیست؛ بلکه علم (واقعی) نوری است که خداوند فقط در قلب کسانی قرار می‌دهد که بخواهد آن‌ها را هدایت کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۰).

تحصیل علم، آداب و شرایطی دارد که جویندگان آن باید بدان ملتزم باشند تا سختی‌هایی که در این راه متحمل می‌شوند، به تباهی کشانده نشود و ناکام نمانند. در حدیث شریفی از پیامبر اکرم (ص) اینگونه نقل شده است: «أَلَا إِنَّ شَرَّ الشَّرِّ شَرَّاءُ الْعُلَمَاءِ، وَإِنَّ خَيْرَ الْخَيْرِ خِيَارُ الْعُلَمَاءِ»، «بدترین شرها، شروری است که از عالمان برمی‌خیزد و بهترین خیرات و خوبی‌ها هم از جانب همان‌ها است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۱۰؛ غزالی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶).

در زمینه اخلاق و آداب علم‌آموزی آثار فراوانی تألیف شده است. گرچه عنوان برخی از این کتب عام است و شامل اخلاق دانشجویی نیز می‌شود، ولی در ضمن بخش‌هایی از این کتاب‌ها به آداب معلّمی و اخلاق آن پرداخته شده است. در اینجا به نمونه‌ای از این آثار اشاره می‌شود: «طراز الذهب فی آداب الطلب» از عبدالکریم سمعانی (۵۰۶-۵۶۲ق)؛ «تعلیم المتعلم و طریق التعلیم» نوشته برهان‌الدین زرنوجی (متوفی ۵۹۱ق)؛ «آداب المتعلمین» اثر خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ق)؛ «تذکره السامع و المتکلم» به قلم بدرالدین حموی شافعی (۶۳۹-۷۳۳ق)؛ «الوَلُوُ النّظِیْمِ فی روم التعلیم» اثر زکریا بن محمد (متوفی ۹۲۶)؛ «منیة المرید» نوشته شهید ثانی (۹۱۱-۹۵۵ یا ۹۶۵ق)؛ «تحریر المقال» اثر احمد بن حجر هیتمی (۹۷۳ق)؛ «ویژگی‌های معلّم خوب» نوشته مظاهری (۱۳۷۰)؛ «کار معلّم و تیپ‌شناسی» اثر علی فائض (۱۳۷۶)؛ «معلّم موفق» از حسین دهنوی (۱۳۷۷)؛ «معلّم محبوب شرایط مقبول» اثر رضا فرهادیان (۱۳۷۹)؛ «سیمای معلّم» از احمد صافی (۱۳۸۴)؛ «نقش معلّم در تربیت دینی» نوشته محمد داودی (۱۳۸۴)؛ «سهام معلّم، شیوه معلّم» اثر علی رئوف (۱۳۸۵)؛ «پله پله تل آسمان علم» نوشته محمد عابدی (۱۳۸۶)؛ «چهل حدیث معلّم و دانشجو» نوشته علی امامی (۱۳۸۶).

کتاب *منیة المرید* از آثار ارزنده و زبانزد شهید ثانی است که سالیان سال به عنوان کتاب درسی حوزه‌های علمیه، چراغ راه سالکان اخلاق و معرفت است. ایشان در این کتاب گران‌سنگ به موضوعات مهمی همچون آداب و وظایف معلّم و شاگرد، شرایط فتوا دادن و استفتاء کردن، شرایط مناظرات علمی و آداب نویسندگی می‌پردازند. در عظمت و بزرگی این کتاب همین بس که منبع و محل رجوع بزرگانی همچون صدرالمآلهین (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ص ۱۵۵-۱۵۶)، مقدس اردبیلی (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۹۸)، شیخ یوسف بحرانی (بحرانی، ۱۳۹۱، ج ۱۸، ص ۱۰)، سید نعمت‌الله جزایری (جزایری، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۳۳۸، ۳۸۰) و دیگر علمای بنام شیعه بوده و بسیار مورد تمجید و تعریف واقع شده است (رک: طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

زین‌الدین بن شیخ امام نورالدین علی بن احمد عاملی جُبعی معروف به شهید ثانی (۹۱۱-۹۵۵ یا ۹۶۵ق) از علمای بنام شیعه و از نوادگان علامه حلّی است. زادگاه او روستای جبل عامل لبنان بود، ولی برای تحصیل علم از محضر علمای شیعه و سنی مسافرت‌های فراوانی به کشورهای مختلف کرد و در علوم بسیاری متبحّر شد (حجّتی، ۱۳۶۴، ص ۸-۱۰). ایشان از اجداد بزرگوار خاندان صدر از جمله امام موسی صدر و محمدباقر صدر هستند (دوانی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۴۸۴) که در این سن کم، قریب به ۸۰ اثر علمی از خود برجای نهادند (امین، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۱۵۴-۱۵۶). از جمله مشهورترین تألیفات ایشان می‌توان به مسالک الافهام، الرّوضه النّهیّیه، کشف الریبه عن احکام الغیبه و منیة المرید فی آداب المفید و المستفید اشاره کرد (شکوری، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴-۱۱۵). سرانجام ایشان به جرم تمسّک به ولایت امیرالمؤمنین (ع) و تبلیغ مکتب حقّه شیعه در سن ۵۴ سالگی به شهادت رسیدند، جسّدش سه روزها شد، سپس به دریا انداختند (امین، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۱۵۷).

هم برای معلّم و هم برای دانشجو می‌توان آداب و وظایفی برشمرد. در این میان وظایفی است که بین آن‌ها مشترک است (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۳۱-۱۷۶). برخی آداب و وظایف مخصوص معلّم است (همان، ص ۱۷۷-۲۲۲) و برخی مخصوص دانشجو (همان، ص ۲۲۳-۲۷۵). برخی آداب مربوط به مدرسه و محیط کلاس است، برخی نیز مربوط به خارج از فضای آموزشی می‌باشد. موضوع پژوهش حاضر صرفاً بررسی آداب و وظایف معلّم در هنگام تدریس است که با تکیه بر کتاب *منیة المرید* انجام شده و با رجوع به دیگر منابع اسلامی، بر غنای آن افزوده شده است. گرچه نویسنده کتاب، «آداب معلّمی در هنگام تدریس» را تحت فصلی با نام «آداب المعلّم فی درسه»، توضیح داده و برای آن ۳۰ مورد ذکر کرده است، اما این پژوهش از سه جهت نوآوری دارد:

اول: بسیاری از این ۳۰ مورد تحت عنوان جامع‌تری گنجانده و خلاصه شده است.
دوم: همه این ۳۰ مورد از یک سنخ نیستند. نیاز بود هر یک از آداب معنوی، اخلاقی، آموزشی و کلاس‌داری و... دسته‌بندی شوند.
سوم: در لابه‌لای کتاب و تحت عناوین دیگری نیز به برخی از «آداب معلّمی در هنگام تدریس» اشاره شده است.

۲. آداب ظاهری

معلّم باید با پوشش و ظاهری آراسته و موقّر در کلاس درس حاضر شود. بدن پاکیزه و لباسش سفید باشد (کلینی، ۱۳۶۲-۱۳۶۳، ج ۶، ص ۴۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۳۰۷). از عطر استفاده کند، موهای سر و محاسن خود را شانه بکشد. خود را از هرگونه عیب و زشتی و امور مشمّرکننده پیرایه کند. و بدون اینکه لباس گران‌قیمت و تجمّلاتی به تن کند، لباسش مایه وقار و جذب مخاطب باشد. او باید هم‌همی این امور را با هدف احترام به ساحت علم و دین مراعات کند و از پوشیدن لباس‌هایی که موجب سبک شمردن جایگاه معلّمی می‌شود، جدّاً پرهیز کند (شهید ثانی، ۱۴۲۷، ص ۲۰۴). برخی حالت‌ها و عوارض روحی و جسمی هستند که تمرکز معلّم را در حین تدریس برهم می‌زند مثل: بیماری، گرسنگی، تشنگی، شادی و ناراحتی مفرط، خشم، ضعف و بی‌حالی، خواب آلودگی و... . معلّم نباید با چنین احوالی در کلاس درس شرکت کند و یا قبل از شروع کلاس درس این عوارض را برطرف نماید (همان، ص ۲۱۲؛ حیّتی، ۱۳۶۴، ص ۳۰۹).
 رعایت این امور موجب می‌شود ذهن و تمرکز معلّم و مخاطبین او از محتوای آموزشی به امور حاشیه‌ای منصرف نشود و کیفیت آموزش ارتقاء یابد.

۳. آداب معنوی

۳-۱. نیت خالص و انگیزه الهی

از نگاه شهید ثانی معلّم باید با انگیزه الهی قدم در راه مقدس تعلیم و تربیت نهاده و نیت خود را نه هنگامه شروع کلاس، بلکه زمان خروج از خانه، خالص کرده باشد. انگیزه معلّم باید تبلیغ معارف دینی و ادای امانتی باشد که به حسب شغل معلّمی بر دوش او نهاده شده است. نیت‌های پاک و الهی برای تدریس می‌تواند یکی از این امور باشد، نشان دادن راه حق به دیگران، آموزش احکام دینی، افزایش معلومات خود از راه تدریس، زنده کردن یاد و نام خداوند متعال و دیگر انگیزه‌های الهی که باعث

می‌شود اجر و پاداش معلّمی برای او مضاعف شود (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۰۷). یکی از راه‌هایی که معلّم می‌تواند به وسیله آن انگیزه الهی را در درون خود ایجاد کند، دعا کردن هنگام خروج از منزل است. معلّم هنگامی که از خانه خود خارج می‌شود و به سمت کلاس درس می‌رود، می‌تواند این دعای منقول از پیامبر اکرم (ص) را زمزمه کند^۱ (همان، ص ۲۰۵): «اللهم انی اعوذ بک ان اضل او اضل، او ازل او ازل، او اظلم او اظلم، او اجهل او یجهل علیّ، عزّ جارك و تقدست اسماؤک، و جل ثناؤک، ولا اله غیرک. ثم یقول: بسم الله، حسبی الله، توکلت علی الله، لاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم، اللهم ثبت جنّتی و ادر الحقّ علی لسانی» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۱۰؛ کنانی، ۱۳۵۴ق، ص ۳۰-۳۱؛ سلیمان بن اشعث، بی تا، ج ۴، ص ۳۲۵)، «خدایا، به تو پناه می‌برم از اینکه مبدا دیگران را گمراه گردانم و یا خود گمراه بشوم، دیگران را بلغزانم و یا خود بلغزم، ستم کنم یا ستم بینم، دیگران را به نادانی کشانم و یا خود دچار آن گردم. خدایا! آنکه سر به جوار و همسایگی تو نهاد، سرفراز است. نام‌های تو مقدس، ستایش تو بس عظیم و شکوه‌مند. جز تو، کسی شایسته عبادت و بندگی نیست. سپس بگوید به نام خدا، خدائی که حوائج مرا کفایت می‌کند. خود را بدو می‌سپارم، همه نیروها و جنبش‌ها تحت ید قدرت خدائی است که والا و بزرگ می‌باشد. بار خدایا، قلب مرا پایدار و استوار نگاه دار و حق را بر زبانم جاری ساز» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۲).

همچنین شایسته است معلّم در راه رسیدن به کلاس درس، مداومت بر ذکر خداوند متعال داشته باشد تا به مجلس درس برسد (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۰۵).

۳-۲. ذکر و یاد خداوند قبل از شروع درس

اگر کلاس در مسجد برگزار می‌شود، شایسته است که معلّم نماز تحیت مسجد بجا آورد و اگر مجلس درس در غیر مسجد برگزار می‌شود، می‌تواند دو رکعت نماز شکر بجا آورد یا نماز طلب حاجت بخواند و از خداوند متعال بخواهد که او را در امر تدریس کمک کند و از اشتباه، بازدارد (فهری، ۱۳۶۲، ص ۶۹-۷۱).^۲ همچنین نشستن رو به قبله؛ گرچه روایت دارد: «خیر المجالس ما استقبل بها»، «بهترین

۱. خواندن این دعا مخصوص وقتی نیست که معلّمی برای تدریس از خانه خارج می‌شود، بلکه در هنگام خروج از خانه، هر کسی می‌تواند آن را تلاوت کند.

۲. گرچه برخی علمای اهل سنت، قائل به نماز مستحبی مخصوص تدریس شده‌اند (نوی شافعی، ۱۳۹۳ق، ص ۲۲)، ولی چنین نمازی از نظر شهید ثانی ثابت شده نیست. نمازی که شهید ثانی بدان اشاره می‌کنند، همان نماز شکر یا طلب حاجت است که مخصوص معلّم نیست، بلکه هر کسی در همه اوقات شبانه‌روز می‌تواند بجا آورد (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۰۵).

نشستن آن است که رو به قبله باشد» (شعبه حرانی، ۱۳۹۴ق، ص ۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۱۳۰)، اما بهتر است که معلّم پشت به قبله بنشیند تا شاگردان که تعدادشان بیشتر است، رو به قبله باشند (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۰۶). البته در سیستم آموزشی امروزی به دلیل کثرت علم‌آموزان، مراکز آموزشی مستقلی مثل مدارس و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه دایر شده است و معمولاً کلاس‌ها خارج از مساجد برگزار می‌شود. ولی معلّم می‌تواند این آداب را قبل از خروج از خانه بجا آورد.

سیره عالمان گذشته اینگونه بوده که قبل از شروع درس مقداری قرآن تلاوت می‌کردند و برای خود و حاضران در مجلس، دعا می‌نمودند. بر محمد و آل محمد صلوات می‌فرستادند و از شرّ شیطان به خدا پناه می‌بردند. برای گذشتگان بویژه اساتید و والدین طلب مغفرت می‌کردند و اگر مدرسه خیر یا واقفی داشت، برای او نیز دعای ویژه می‌کردند. گرچه برخی علما انجام این امور را مستحب شمرده‌اند (ر.ک.: نووی شافعی، بی تا، ج ۱، ص ۵۶؛ طیبی، ۱۳۹۱ق، ص ۱۴۴)، ولی از نگاه شهید ثانی دلیل شرعی خاصی بر استحباب این امور وارد نشده است، ولی انجام آن‌ها خیر عظیم و برکتی وافر به همراه دارد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵). متأسفانه این سنت‌های حسنه امروزه نه تنها در مدارس و دانشگاه‌ها حتی در حوزه‌های علمیه نیز رو به فراموشی نهاده است.

۳-۳. تقوی معلّم

از مهم‌ترین ویژگی‌های معلّمی، تقوا و در نظر گرفتن خداست. یک نفر تا زمانی که شائیت و جایگاه معلّمی را پیدا نکرده است، نباید خود را در این جایگاه قرار دهد (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۷۹). همچنین معلّم باید با آمادگی و مطالعه کامل در کلاس درس حاضر شود (همان، ص ۱۷۶). رعایت نکردن این دو مورد هم به ضرر شاگردان است، زیرا درس را به خوبی یاد نخواهند گرفت و هم به ضرر معلّم است، زیرا خود را مدیون همه‌ی شاگردان خواهد کرد. معلّم در پابندی به تقوا و خدا ترسی وظیفه سنگین تری نسبت به شاگردان و مردم عادی دارد، چراکه رفتار و گفتار و حتی حالات ظاهری او برای دیگران سرمشق است. روش و سیره‌ی او به شاگردان و جامعه منتقل می‌شود. اگر خدای نکرده معلّم اخلاق و تقوای شایسته‌ای نداشته باشد، شاگردانش به مراتب از او بی‌تقواتر خواهند شد (حجّتی، ۱۳۶۴، ص ۱۹۲-۱۹۳). حرف و عمل معلّم باید یکی باشد. اگر شاگردان را به کارهای خوب دعوت می‌کند یا از کارهای زشت باز می‌دارد، خودش باید بیشتر و پیش‌تر آن‌ها را رعایت کند. معلّمی که از نصایح و اندرزهای خود بی‌بهره است، بی‌بهره‌گی شاگردانش از خود او بیشتر است (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۶۵؛ حجّتی، ۱۳۶۴، ص ۲۰۲-۲۰۳). از طرف دیگر، درس دادن به افرادی که

شخصیت و شأنیت اجتماعی پایین‌تری از معلّم دارند یا سن و سال کم‌تری دارند یا حتی دینداری مطلوبی ندارند، نباید مانع از امر معلّمی بشود (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۷۳).

معلّم نباید از بذل علم و دانش خود به شاگردان بخل بورزد. او نباید نسبت به علومی که آگاهی و سررشته‌ای در آن‌ها ندارد، اظهار نظر کند یا حتی دانشجویان را نسبت به آن‌ها بدبین کند. معلّمی که خدا را در نظر می‌گیرد و به حال شاگردش دلسوزی دارد، از رفت و آمد شاگردانش نزد دیگر اساتید و معلّمان، ناراحت نمی‌شود، بلکه گاهی وظیفه دارد دانشجویان را به افراد عالم‌تر از خود ارجاع دهد (همان، ص ۱۸۵-۲۰۲).

۴. آداب اخلاقی

در متون اسلامی وظیفه معلّم به آموزش و تدریس خلاصه نمی‌شود، بلکه تعلیم و تربیت اخلاقی نیز بر عهده معلّم نهاده شده است. همان‌گونه که انبیای الهی تعلیم و تزکیه را توأمان پیش می‌بردند، معلّم هم باید علم و اخلاق را توأمان به دانشجویان آموزش دهد (جمعه، ۲؛ طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۹، ص ۲۶۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۱۰۶). در طول تاریخ اسلام نقش معلّمان در تربیت نسل بی‌بدیل بوده است (داودی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶). شهید ثانی نیز معلّمان را به امور اخلاقی بسیاری توجه می‌دهد.

۴-۱. محبت و احترام به شاگردان

معلّم باید با رفتار خود به شاگردانش ابراز محبت و احترام کند. این کار تاثیر و افری در دوستی بین استاد و شاگرد دارد و انگیزه شاگردان را در علم‌آموزی دوچندان می‌کند. بسیاری از خوانندگان این سطور، این تجربه را تایید می‌کنند که به درس معلّمانی که اخلاق بهتری داشتند، علاقه بیشتری نشان می‌دادند و حتی درس را بهتر یاد می‌گرفتند.

معلّم باید نام شاگردان خود را به یاد بسپارد و با اخلاق نیکو و روی گشاده به آن‌ها سلام کند (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۹۵، ۲۰۵، ۲۰۹)، با لبخند به استقبال کلام آن‌ها برود، به همه شاگردان تفقّد و ملامت داشته باشد و آنان که فاضل‌تر و با تقواتر هستند را بیشتر احترام کرده و در بالای مجلس بنشانند (همان، ص ۲۰۹). اگر هر کدام از شاگردان نکته علمی خوبی اشاره کردند یا پاسخ استاد را به درستی دادند، از آن‌ها تعریف و تمجید کند (همان، ص ۱۹۹). اما نباید در محبت و احترام به آن‌ها تبعیضی قائل شود، مگر آنکه شخصی واقعاً علم و فضیلت بیشتری نسبت به بقیه داشته باشد. در این صورت معلّم باید علت توجه بیشتر به این شاگرد را برای دیگران بیان کند تا الگوسازی شود و حسادت‌ها

برانگیخته نشود (حجّتی، ۱۳۶۴، ص ۲۴۶). ممکن است در حین تدریس، فرد شایسته و فاضلی وارد کلاس شود، معلّم باید کمی درنگ کند تا او جایی برای نشستن پیدا کند. معلّم می‌تواند برای حفظ احترام او موضوع درس را دوباره مطرح کند (همان، ص ۲۱۵؛ رک: کنانی، ۱۳۵۴ق، ص ۴۳-۴۴).

۴-۲. رفق و مدارا با شاگردان

استاد باید با شاگردانش مدارا کند. اگر شاگردان سوالی دارند، با جان دل به سوال آن‌ها گوش داده، سعی کند مقصود آن‌ها را متوجه شود. بسیار پیش آمده که شاگرد از بیان سوال خود خجالت می‌کشد یا اشکال خود را با بیانی ناقص اداء می‌کند، معلّم در این شرایط باید سوال شاگرد را از نو تقریر کرده و بدان پاسخ بدهد. معلّم نباید فراموش کند که خودش نیز روزی شاگرد بوده و سوالات پیش‌پا افتاده از معلّمش می‌پرسیده؛ پس شایسته نیست شاگردانی که ضعیف‌تر هستند، تمسخر یا تحقیر شوند. ممکن است شاگرد جدیدی برای اولین بار به حلقه‌ی درس استاد آمده باشد و احساس غریبی کند، معلّم نباید با تعجب به او نگاه کند، چرا که با این کار بر تهایی و احساس غربت او افزوده می‌شود و قدرت مشارکت در بحث از او سلب می‌شود. در چنین مواردی صمیمیت و گشاده‌رویی استاد باید پیش از پیش باشد (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۱۴). بی‌توجهی و کم‌محل کردن شاگردانی که فاضل نیستند، شایسته جایگاه معلّمی نیست، بلکه کار افراد متکبّر است (همان، ص ۲۰۸). همچنین قصد معلّم از سوال و امتحان نباید مچ‌گیری و ضایع کردن دانش‌آموزان باشد (همان، ص ۱۷۰؛ حجّتی، ۱۳۶۴، ص ۲۰۹-۲۱۱).

۴-۳. تفقّد و دلسوزی

معلم نباید از احوال شاگردان خود بی‌خبر باشد. این ویژگی مهم ریشه در دلسوزی معلّم دارد. اگر یکی از شاگردان در جلسه درس حضور پیدا نکرد یا غیبت او غیر عادی بود، معلّم باید احوال او را جویا شود، یا یکی از شاگردان را به سراغ او بفرستد. حتی اگر نتیجه نگرفت، خودش به شخصه احوال او را پیگیری نماید. اگر مشکلی داشت، برای او گره‌گشایی کند. اگر شاگردی بیمار شد، معلّم باید از او عیادت کند. اگر در امور زندگی اش نیاز به کمک و یاری داشت، در کمک و یاری او در حد توان خود دریغ نکند. حتی اگر کاری از دست معلّم ساخته نیست، از ابراز محبّت و دلسوزی دریغ نکند (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۹۴). گرچه با پیشرفت وسایل ارتباط جمعی، انجام این وظایف به مراتب آسان‌تر شده است، ولی متأسفانه این اخلاق اسلامی در مراکز آموزشی روز به روز کمرنگ‌تر می‌شود. امروزه عملاً وظیفه معلّم به آموزش مفاهیم علمی خلاصه شده است، مسأله‌ای که نظام آموزشی جدّاً باید برای آن چاره‌ای بیاندیشد.

بی‌تردید معلّم باید نسبت به شاگردان خود حسّ پدری داشته باشد و آن‌ها را بهترین فرزندان خود تلقّی کند، زیرا علم و دانش اساس قرب و خویشاوندی روحی و معنوی بوده و چنین پیوندی از هرگونه خویشاوندی خونی و جسمی والاتر و ارزشمندتر است. در روایات اسلامی به طور ویژه بر رعایت حقوق برادران مومن و محبّت به آن‌ها تأکید شده است. رعایت این نکات در بین استاد و شاگرد به مراتب ضروری‌تر می‌باشد (همان، ص ۱۹۰؛ کلینی، ۱۳۶۲-۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۴۸).

۴-۴. شهامت معلّم

ممکن است شاگردان از معلّم سوالی بپرسند، ولی او نداند یا در حین تدریس به جایی از کتاب برسد که از آن اطلاعی نداشته باشد، وظیفه معلّم این است که صادقانه بگوید، اطلاعی ندارد یا بگوید: «نیاز است درباره این موضوع مجدداً تأمل کنم». این نشانه دانایی و فرهیختگی یک معلّم است که در مورد آنچه نمی‌داند اظهار بی‌اطلاعی کند، مثلاً بگوید: «لا أعلم واللّه أعلم» (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۱۵؛ دارمی، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۶۳).

برخی بزرگان می‌فرمایند: چه خوب است معلّم برای شاگردان خود کلمه «نمی‌دانم» را به ارث بگذارد، یعنی آن قدر این کلمه را تکرار کند تا شاگردان هم در اظهار جهل و نادانی خود خجالت نکشند و به آسانی بگویند: «نمی‌دانیم» (همان، ص ۲۱۶؛ خطیب بغدادی، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۱۷۳).

انسان هر چند دانشمند و عالم باشد، با گفتن «نمی‌دانم» از قدر منزلتش کاسته نمی‌شود، بلکه به خاطر پابندیش به حق و حقیقت، در چشم و دل مردم بزرگ‌تر می‌شود و معلوم می‌شود، اولاً، این عالم چقدر با تقوی است و ثانیاً این مسأله چه بسا پیچیده و مشکل است که حتی معلّمشان برای جواب دادن، نیاز به فکر و اندیشه دارد. تنها کسی از گفتن «نمی‌دانم» واهمه دارد که جاهل و بی‌تقوا باشد. ناگفته پیداست وقتی شاگردان بارها و بارها از معلّمان راستین کلمه «نمی‌دانم» را می‌شنوند، ولی از چنین شخصی حتی یک بار این حرف را نشنیده‌اند، متوجه خواهند شد آن معلّمان چقدر باشاهامت و باتقوا هستند و این شخص چقدر بی‌تقوا، ترسو و جاهل است. او دقیقاً گرفتار چیزی می‌شود که از آن واهمه داشت و فراری بود (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۱۷).

از مصادیق دیگری که می‌توان برای تقوا و شجاعت معلّم برشمرد، جایی است که در حین درس متوجه شود مطلبی را اشتباه بیان کرده است. او باید فوراً به اشتباه خود اعتراف کند و مطلب را بازگو کند. موکول کردن این کار به جلسات آینده، به چند دلیل اشتباه است:

اول: مطلب اشتباه در ذهن دانشجو رسوخ می‌کند و تصحیح آن هزینه مضاعف می‌برد.

دوم: تأخیر در بیان حق و حقیقت ناپسند است.

سوم: احتمال دارد برخی شاگردان در جلسه بعدی غائب باشند و در خطا و جهالت باقی بمانند.

چهارم: نوعی پافشاری بر خطا و اشتباه بوده و چنین معلّمی مانند شیطان است که اصرار بر خطا دارد.

پنجم: ممکن است نفس او به این کار عادت کند و در موارد دیگر هم بیان حقیقت را به تأخیر بیندازد.

ششم: چه بسا در جلسه آینده که قصد تصحیح اشتباه خود را دارد، مثل همین جلسه، دوباره شیطان او را فریب دهد و هیچ وقت موفق به اصلاح اشتباه خود نشود.

برعکس، معلّمی که فوراً اشتباه خود را جبران می‌کند، به دانش‌آموزان درس تقوا و شهادت آموخته است. شاگردان او هم الگو می‌گیرند و این معلّم در ثواب این کار شریک است. چنین معلّمی در چشم و دل مردم بزرگ‌تر می‌شود و خداوند نیز مقام او را بالاتر می‌برد (همان، ص ۲۱۸).

۵. آداب آموزشی

۵-۱. انتخاب دروس مناسب برای تدریس

یک معلّم ممکن است توانایی تدریس دروس مختلفی را داشته باشد و یا از سوی دانشجویان با درخواست‌های متنوعی برای تدریس روبه‌رو شود. شهید ثانی توصیه می‌کند معلّمان با توجه به نکات زیر، موضوع تدریس خود را تعیین کنند.

اول) دروسی که شرافت و اهمیت بیشتری نسبت به علوم دیگر دارند، مثل عقائد و اصول دین، تفسیر قرآن، حدیث، فقه و... (همان، ص ۲۱۱). ناگفته پیداست منظور این نیست که همه معلّمان مشغول به تدریس علوم دینی شوند و دیگر دروس بر زمین بمانند. در شرایطی نیاز فرد و جامعه به علوم غیر دینی آن‌چنان ضروری و حیاتی است که اهمیت و ارزش این علوم فراتر از علوم دینی خواهد شد.

دوم) دروسی که احتیاج [فرد یا جامعه] بدان بیشتر است (همان؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۱۷).

سوم) در علمومی که برخی مقدمه علوم دیگر هستند، ترتیب مراعات شود. این امر از طرفی موجب می‌شود برخی دشواری‌های دانش‌اندوزی برای متعلّمین کاسته شود و از طرف دیگر باعث می‌شود تلاش و کوشش دانشجویان در امر تحصیل هدر نرود. درباره علوم دینی ایشان این ترتیب را پیشنهاد می‌دهند (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۸۵-۳۸۹):

حفظ قرآن کریم و تجوید، ادبیات عرب (صرف و نحو)، منطق، کلام، اصول فقه، درایه الحدیث،

خواندن روایات و تفسیر آن‌ها، آیات الاحکام، کتاب‌های فقهی، تفسیر قرآن کریم^۱، حکمت (طبیعیات و ریاضیات)، حکمت عملی (اخلاق)، علوم و فنون الهیه^۲. باید دانست که علم مقدمه عمل و عمل، عصاره دانش و حکمت آفرینش می‌باشد. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶؛ طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۸، ص ۳۸۶؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۷، ص ۳۴۵).

چهارم) هر شخصی ظرفیت و شایستگی هر علمی را ندارد. استاد باید بداند که چه علمی را به چه کسانی می‌آموزد (همان، ص ۳۸۹). انتخاب شاگرد یکی از پرچالش‌ترین توصیه‌هایی است که شخصیتی مثل شهید ثانی به آن اشاره می‌کند، اما در حال حاضر به دلیل حاکمیت سیستم آموزشی و حذف اختیارات معلم، عمل به این نکته از حیطة اختیارات معلم حذف شده است، زیرا استاد نقشی در تعیین شاگرد ندارد و در بیشتر مراکز آموزشی، قوانین و سیستم، جای تشخیص استاد را گرفته است.

پنجم) برخی علوم صرفاً جنبه ایزاری و مقدماتی دارند. پس اگر کسی عمده وقت و تلاش خود را صرف مقدمات کند، به گونه‌ای که از علوم و اهداف اصلی بازماند، بسیار نادان و زیان‌کار است (همان).

۵-۲. روش تدریس

یکی از آفت‌های روش تدریس، تغییر مکرر موضوع بحث یا خارج شدن بی‌جا از موضوع کلاس است. معلم باید بحث خود را مدیریت کند و از شاخه‌ای به شاخه دیگر نپرد. گاهی این حواشی از سوی دانشجویان ایجاد می‌شود که باید توسط معلم مدیریت شود (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۱۳).

اغماض‌گویی و ارائه پیچیده درس، نه تنها لطفی ندارد، بلکه با اصل غرض و هدف آموزش نیز ناسازگار است. معلم نباید با استفاده از کلمات سنگین و نامفهوم، دانشجویان را دچار سوء فهم کند. سبک تدریس هرچقدر آسان‌تر و روان‌تر باشد، مطلوب‌تر است. اصل تدریج در انتقال مفاهیم حکم می‌کند فرآیند تعلیم و تربیت در بستر زمان و طی مراحل طبیعی خود به نتیجه برسد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۱۲).

گاهی لازم است معلم درنگ کند و گاهی باید از کنار مطلبی بگذرد. گاهی باید آن‌چه گفته است را دوباره تکرار کند. معلم باید به مخاطبین خود فرصت طرح سوال و اشکال بدهد. بلندی صدای معلم

۱. از منظر شهید ثانی تمامی علوم قبلی، مقدمه علم تفسیر هستند (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۸۵)

۲. شهید ثانی معتقدند: علوم و فنون الهیه مغز و عصاره علوم دیگر و ره‌آورد همه دانستی‌ها است که انسان به واسطه آن‌ها به مقام قربان واصل می‌شود (همان، ص ۳۸۹).

باید در حد مطلوب باشد (هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۵۶۹). مدت زمان کلاس نه آن قدر طولانی شود که همه را خسته کند و نه آن قدر کم باشد که تبیین و تفهیم درس با مشکل مواجه شود. معلّم نباید شبهات دینی را در یک جلسه مطرح کند و پاسخ آن را به آینده حواله دهد، زیرا ممکن است افرادی در جلسه آینده غائب شوند و شبهه در ذهنشان بدون پاسخ باقی بماند (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۱۱-۲۱۳). محل نشستن بسیار مهم است. معلّم باید در معرض دید همه شاگردان بنشیند و نگاه خود را بین همه تقسیم کند و به فردی که در حال پرسشگری یا طرح اشکال است، توجه بیشتری کند (همان، ص ۲۰۸).

۵-۳. اعتدال در تدریس

سیر تدریس از کتاب‌های آسان‌تر و کم‌حجم‌تر به کتاب‌های دشوارتر و حجیم‌تر منتقل شود (همان، ص ۳۸۶). زیاده‌روی در برخی علوم لازم نیست، بلکه هدف از خواندن آن‌ها در حد متوسط نیز فراهم می‌شود. پس، معلّم نباید با تدریس بیش از حد برخی علوم، وقت و عمر دانشجویان را تلف کند. از نظر شهید ثانی علم منطق اینگونه است (همان؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۰۶).

از طرف دیگر، نباید به تحصیل اندک برخی علوم قناعت شود، بلکه هرچقدر توجه و دقت در آنها بیشتر باشد، بهتر است. از نظر شهید ثانی اصول فقه این ویژگی را دارد، چرا که مقدمه علم فقه است و همچنین علم تفسیر؛ زیرا تفسیر، غایت و هدف بسیاری از علوم دیگر می‌باشد (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۸۶-۳۸۸).

برخی علوم هستند که بدون استاد یادگیری آن‌ها امکان‌پذیر نیست، مثل علم فقه (همان، ص ۳۸۷). پس علمی را که خود دانشجو به تنهایی نمی‌تواند فراگیرد، حتماً باید اساتید آن به اندازه کافی فراهم شود. از طرف دیگر نیز برخی عناوین و سرفصل‌ها ضرورتی برای تدریس ندارد و دانشجو به تنهایی قدرت درک آن‌ها را دارد. در حال حاضر هم مطالب بسیاری در حوزه و دانشگاه تدریس می‌شود که طالبان علم بدون نیاز به استاد می‌توانند به فراگیری آن اقدام کنند.

۵-۴. ایجاد شوق و دلبستگی به علم‌آموزی

یکی از آفات مبتلا به علم‌آموزی که شهید ثانی بدان اشاره می‌کند، بی‌انگیزگی و عدم رغبت دانشجویان نسبت به علم و تحصیل دانش است. برطرف کردن این آفت بر عهده معلّم است. او باید شاگردان خود را به علم و دانش ترغیب کند و مزایای علم‌آموزی را بر بی‌سوادی متذکر شود. معلّم باید خود به این اعتقاد قلبی رسیده باشد و شاگردانش را نیز به این باور برساند که یک عالم و دانشمند می‌تواند به مقام و جایگاهی برسد که حتی شهداء و جانبازان راه خدا به بر او رشک برند. معلم نباید

صرفاً با بیان نکات علمی و آموزشی وظیفه خود را تمام شده بی‌انگارد. او نسبت به بی‌رغبتی دانشجویان خود مسئولیت دارد. معلّم می‌تواند با بیان آیات قرآن، روایات، اشعار، داستان‌ها و ضرب‌المثل، این وظیفه خود را اداء کند (حجّتی، ۱۳۶۴، ص ۲۵۴-۲۵۵).

۶. آداب کلاس‌داری

۶-۱. زمان و مکان مناسب برای کلاس

یکی دیگر از وظایف معلّم، انتخاب زمان و مکان مناسب برای تدریس است. او باید مصلحت عموم شاگردان را لحاظ کند تا کیفیت تدریس بالا برود. در مواقعی مثل شادی و اندوه، سرما و گرما و یا به دلیل کثرت اشتغال معلّم، ضروری است که درس تعطیل شود یا زمان یا مکان درس جابه‌جا شود. ممکن است انجام تحقیقات و تألیفاتی برای معلّم اهمیت بیشتری از تدریس پیدا کند. در همه‌ی این موارد، معلّم باید طبق مصلحت‌سنجی عموم، تصمیم‌گیری نماید (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۱۲؛ کنانی، ۱۳۵۴ق، ص ۴۴). امروزه نیز همین ملاحظات برای زمان و مکان کلاس مطرح است. در شرایطی هم از طرف شاگردان و هم از طرف استاد ضرورت تعطیلی یا جابجایی کلاس مطرح می‌شود. مثلاً برخی اشتغالات استاد مثل شرکت در سمینارهای علمی، جلسات دفاع پایان‌نامه یا وظایف اجرایی او با زمان کلاس تداخل پیدا می‌کند. برخی اوقات نیز از طرف دانشجویان درخواست جابجایی کلاس مطرح می‌شود، مثل درخواست فرجه برای خواندن امتحان، تعطیلی کلاس در ایام بین‌التعطیلی یا تعطیلی جهت شرکت در مراسمات مذهبی مانند ایام اعتکاف، راهپیمایی اربعین و... شهید ثانی به این نکته اخلاقی اشاره می‌کنند که معلّم نباید برای تعطیلی کلاس صرفاً ملاحظات شخصی خود را در نظر بگیرد. همان‌گونه که ممکن است برای شخص استاد ضرورت تعطیلی کلاس بوجود بیاید، از طرف شاگردان نیز همین ضرورت مطرح است که نباید به آن‌ها بی‌توجهی شود. گرچه در سیستم آموزشی امروزی، تصمیم‌گیری درباره زمان و مکان بر عهده نظام و قوانین آموزشی گذاشته شده است، اما ملاحظات یاد شده با هماهنگی استاد و شاگردان با مسئولین آموزشی قابل حل است.

۶-۲. مدیریت اخلاقی شاگردان

معلّم باید فضای اخلاقی کلاس خود را کاملاً کنترل نماید. مطرح شدن سخنان بیهوده، سر و صدا، بی‌نزاکتی، بی‌انصافی، غرور، خنده یا سخن نابجا، خوابیدن و تمسخر دیگران، از جمله بد اخلاقی‌هایی است که معلّم باید نسبت به آنها حساس باشد و واکنش نشان دهد. گاهی تذکر عمومی لازم است و

گاهی حتی لازم است شخص متخلف مورد عتاب و تنبیه قرار گیرد (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۱۳-۲۱۴، ۱۸۹؛ نووی شافعی، بی تا، ج ۱، ص ۵۷). این کار نسبت به مصلحت تک تک دانشجویان ممکن است متفاوت باشد. گاهی لازم است شاگردی به دلیل سهل انگاری در برابر دیگران ملامت شود. از این جهت اشکالی متوجه معلّم نیست، زیرا معلم و شاگرد مانند طیب و بیمار هستند. طیب اجازه دارد دارو را طبق صلاح دید خویش بکار برد (حجّتی، ۱۳۶۴، ص ۲۷۴-۲۷۵).

۳-۶. تعیین نماینده و جانشین

یکی از اموری که در کنترل و مدیریت کلاس، معلّم را کمک می‌کند، این است که معلّم شخصاً یک نماینده باهوش و یک جانشین شایسته برای خود انتخاب کند. برخی وظایف نماینده کلاس از منظر شهید ثانی از این قرار است: برقراری نظم و سکوت در کلاس، بیدار کردن افراد خواب‌آلود، تنبیه دادن به افراد حواس‌پرت، تنظیم وقت ملاقات با استاد و... از معضلات کلاس‌های امروزی می‌توان به استفاده بی‌رویه دانشجویان از موبایل، ورود و خروج‌های مکرر به کلاس و... اشاره کرد که تدریس استاد را شدیداً تحت تاثیر قرار داده است.

جانشین استاد هم باید این نقش را ایفا کند: برخی شاگردان از مواجهه با استاد خجالت می‌کشند، او باید پاسخگوی سوالات آن‌ها باشد. برخی درس را یاد نگرفته‌اند یا نیاز به تکرار دوباره دارند، جانشین استاد باید مجدد درس را برای آن‌ها تدریس کند. به این ترتیب هم در وقت استاد صرفه‌جویی می‌شود و هم شاگردان بهتر درس را یاد می‌گیرند (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۲۰؛ کنانی، ۱۳۵۴ق، ص ۴۱).
با انجام این تدابیر، سطح آموزشی و بازدهی تدریس بالا می‌رود و از طرف دیگر شأن و جایگاه استاد محفوظ می‌ماند و دیگر لازم نیست استاد شخصاً با شاگردان بی‌نظم و مشکل‌دار برخورد کند.

۴-۶. آداب خاتمه کلاس

از نظر شهید ثانی صرف خواندن و نوشتن چه بسا باعث غرور و قساوت قلب شود. برای آن‌که رشد و کمال طالب علم همه‌جانبه باشد، معلّم باید در پایان درس خود نصیحت یا نکته حکیمانه‌ای برای شاگردان بگوید تا حالت تواضع و خشوع در آن‌ها ایجاد شود. همان‌طور که کلاس درس با دعا آغاز شد، می‌تواند به دعا ختم شود.

معلّم باید پایان درس خود را به نحوی اعلام کند تا کسانی که کار ضروری دارند از ترک کردن کلاس خجالت نکنند. سیره برخی علما اینگونه بوده که آغاز درس خود را با «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع می‌کردند و در پایان نیز می‌گفتند: «الله أعلم». چرا که هیچ وقت از یاد و نام خدا غافل

نمانند (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۱۹).

- معلم نباید فوراً بعد از اتمام درس، کلاس را ترک کند. این کار فواید فراوانی دارد:
- ۱) کسانی که سوال یا شبهه‌ای از مطالب درسی دارند، نزد استاد مطرح کنند.
 - ۲) ممکن است یکی از شاگردان مسأله شخصی یا مشورتی با استاد خود داشته باشد.
 - ۳) اگر معلم زودتر به طرف درب خروج برود، شاگردان برای احترام او کار خود را رها می‌کنند، برمی‌خیزند و به زحمت می‌آفتند.
 - ۴) شاگردان به دنبال استاد خود راه می‌افتند و سر و صدا و شلوغی ایجاد می‌شود.
 - ۵) این کار ممکن است موجب احساس غرور و تکبر در معلم شود که بسیار خطرناک است (همان، ص ۲۲۰).

۷. نتیجه‌گیری

شهید ثانی تدریس را به هر قیمتی مفید و موثر نمی‌دانند، بلکه آداب و اخلاق معلمی را از ضروریات تدریس معرفی می‌کنند. ایشان گرچه شخصیتی دینی و اسلامی هستند، ولی در ترسیم آداب معلمی در هنگامه تدریس، صرفاً به بیان نکات معنوی و اخلاقی بسنده نکرده‌اند و آداب آموزشی، فنون تدریس، شیوه کلاس‌داری و تجربیات معلمی را نیز، به خوبی تشریح می‌کنند. تجربیات و ظرائفی که شهید ثانی بدان اشاره می‌کنند، نشان از نکته‌سنجی و تجربیات وافر ایشان در امر تعلیم و تربیت است. برخی آدابی را که ایشان برای معلم ترسیم کرده‌اند، امروزه به دلیل سیستمی و قانون‌مند شدن نظام آموزش، از حیطه اختیارات معلم خارج شده است، مثل انتخاب دروس مناسب برای تدریس، انتخاب زمان و مکان تدریس، تعطیلی و جابجایی کلاس، جایگاه نشستن معلم، انتخاب شاگردان و... . قاعدتاً این آداب و وظایف امروزه متوجه دست‌اندرکاران و مسئولین آموزشی خواهد بود. به‌طور کلی، خصوصیتی که شهید ثانی در امور معنوی، اخلاقی و رابطه استاد و شاگرد برای معلم مطلوب برمی‌شمارد، با واقعیت موجود فاصله زیادی دارد که باید جبران شود.

— منابع —

قرآن کریم.

- امین، سید محسن (۱۴۰۶ق). *أعیان الشیعه*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ج ۷.
- بحرانی، شیخ یوسف (۱۳۹۱). *الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره*. قم: جامعه مدرسین، ج ۱۸.
- جزایری، سید نعمت‌الله (۱۴۲۹ق). *الأنوار النعمانیه فی بیان معرفه النشاه الانسانیه*. بیروت: دارالقاری، ج ۳.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۱). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی. تهران: انتشارات مدرسه، چاپ دوم.
- حجتی، محمدباقر (۱۳۶۴). *آداب تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۳۹۵ق). *الفقیه و المتفقہ*. بیروت: دار احیاء السنه النبویه، ج ۲.
- دارمی، عبدالله ابن بهرام (۱۳۹۸ق). *سنن الدارمی*. قاهره: دارالفکر، ج ۱.
- داودی، محمد (۱۳۹۰). *نقش معلّم در تربیت دینی*. ویراستار سید محمدحسن جواهری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
- دوانی، علی (۱۳۸۸). *مفاخرالاسلام*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ج ۴.
- سلیمان بن اشعث (بی تا). *سنن ابی داود*. تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید. بی جا: داراحیاء السنه النبویه، ج ۴.
- شعبه حرّانی، سید جعفر (۱۳۹۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول*. بیروت: الأعلمی، چاپ پنجم.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۸۱). *شمعی از تاریخ؛ زندگینامه خودنوشت شهید ثانی*. بی جا: عقل سرخ.
- شهید ثانی (۱۴۲۷ق). *منیة المرید فی ادب المفید و المستفید*. تحقیق رضا مختاری. بیروت: انتشارات الأمیره.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*. قم: فرهنگ اسلامی، ج ۲۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۰۲ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۱۹-۱۸.
- طباطبایی، سید محمدرضا (۱۳۸۶). *آیین دانشوری*. ترجمه حمیدرضا شریعتمداری. قم: انتشارات دارالعلم، چاپ هشتم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *مصباح المتهدّج و سلاح المتعبّد*. بیروت: فقه الشیعه، ج ۲.
- طیبی، حسین بن عبدالله (۱۳۹۱ق). *الخلاصه فی اصول الحدیث*. تصحیح صبحی السامری. بغداد: بی تا.
- غزالی، محمد (بی تا). *احیاء علوم‌الدین*. تصحیح حافظ عراقی. بیروت: دارالکتاب العربی، ج ۱.
- فهری، سید احمد (۱۳۶۲). *تعلیم و تعلّم از دیدگاه شهید ثانی و امام خمینی*. تهران: نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین(ع)، ج ۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲-۱۳۶۳). *اصول الکافی*. تهران: دارالکتبی الاسلامیه، ج ۶، ۳.
- کنانی، محمد ابن ابراهیم (۱۳۵۴ق). *تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم*. تحقیق سید محمدهاشم ندوی. حیدرآباد: دائره المعارف الثمانیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار(ع)*. بیروت: دارالتراث العربی، چاپ دوم، ج ۱-۲، ۷۶-۷۷.

- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). **مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**. تصحیح مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاردی، حسن یزدی. قم: جامعه مدرسین، ج ۵.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۴.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶). **شرح اصول کافی**. تصحیح محمد خاجوی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- نووی شافعی، یحیی ابن شرف (۱۳۹۳ق). **التبیین فی آداب حمله القرآن**. بی‌جا: دارالفکر، چاپ دوم.
- نووی شافعی، یحیی ابن شرف (بی‌تا). **شرح المهدب**. قاهره: مطبعه العاصمه، ج ۱.
- هندی، علاء‌الدین علی متقی (۱۴۰۵ق). **کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال**. تحقیق بکری حیانی. بیروت: موسسه الرساله، ج ۳، چاپ پنجم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی